تاریخ‌نگار

وقتی رویای دشمنان ایران کابوسشان شد

غروب منافقین با فروغ عملیات مرصاد

عملیات مرصاد یا غروب جاویدان نام نبردی است که توسط سازمان مجاهدین خلق طرح‌ریزی و در اواخر جنگ ایران و عراق میان ارتش و اعضای سازمان مجاهدین در گرفت. یک هفته پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران بود که حدود ۵۰۰۰ نیروی سازمان مجاهدین خلق با مقادیری تجهیزات جنگی از محور غرب و از طریق شهرهای مهران و اسلام‌آباد غرب به ایران حمله کردند.

هدف این عملیات تسخیر تهران در ۳۳ ساعت بود و مسعود رجوی فرماندهی این عملیات را برعهده داشت. عملیات پاتک ایران «مرصاد» نام داشت و طی آن مجاهدین در کمین قرار گرفتند و شکست خوردند. حمله وحشیانه عراق، به اعتراف نظرات کارشناسان عراقی در مجموع به ضرر آنان تمام شد.

در سوم آبان سال ۶۷، تعدادی از اعضای سازمان مجاهدین خلق که به عراق متواری شده، با استفاده از حمایت‌های گسترده صدام، در حال انجام اقداماتی بر ضد نظام جمهوری اسلامی بودند. آن‌ها با پشتیبانی ارتش عراق هجوم خود را با استفاده از آخرین سلاح‌های سبک و سنگین که از طریق آمریکا و صدام در اختیارشان قرار گرفته بود، به سمت باختران آغاز کردند و وارد خاک ایران شدند.

آنان با تصرف شهرهای سرپل‌ذهاب و کرند غرب، در شب اول در شهر اسلام‌آباد توقف کرده و به کشتار فجیع مردم این شهر و حتی مجروحان حاضر در بیمارستان پرداختند. جالب آن که در بین کشته‌شدگان، حتی بستگان آنان نیز دیده می‌شد.

مسعود رجوی، سرکرده این گروه، هم در حالی که بر خودروی ضدگلوله سوار بود، کاروان مجاهدین خلق را که متشکل از پانزده هزار زن و مرد بود، همراهی می‌کرد. فرماندهان منافقین، گمان می‌کردند که وضعیت نظامی ایران از هم پاشیده شده و بسیار آسیب‌پذیر است و تنها یک ضربه و شوک، نظام جمهوری اسلامی را فرو خواهد ریخت.

مجاهدین خلق، طرح عملیات خود را در یک جلسه ۲۴ ساعته آماده کرده بودند و در تاریخ ۶۷/۴/۳۱، نیروهای خود را توجیه کرده و نام عملیات را هم «فروغ جاویدان» گذاشته بودند. در پایان روز اول بود که مسئولان شورای عالی دفاع ایران در حال رسیدگی به موضوع تجاوز منافقین به مرزهای غربی کشور بودند، شهید صیاد شیرازی مأمور رسیدگی به وضعیت منطقه غرب شد.

صیاد همان شب با یک هواپیمای فالکون، خود را به باختران رساند و هنگامی که از اوضاع منطقه آگاهی یافت، دریافت که برخلاف گمان اولیه، با ارتش عراق طرف نیستند، بلکه در برابر نیروهای مجاهدین خلق، قرار گرفته‌اند.

وی سپس طرحی ریخت که براساس آن، باید به متجاوزان اجازه داده می‌شد تا تنگه «چهارزبر» در ۳۴ کیلومتری باختران پیشروی کنند. آنگاه در آنجا، خلبانان هوانیروز از عقب و جلو، راه را بر کاروان می‌بستند و نیروهای مردمی و بسیجی بسیاری که پس از آگاهی از حمله، از سراسر کشور به باختران آمده بودند، از راه زمین، به سرکوب دشمن می‌پرداختند.

حضور گسترده نیروهای مردمی در باختران به حدی بود که در جاده ورودی شهر تا کیلومترها ترافیک شده و مردم با پای پیاده به سمت شهر در حال حرکت بودند. صبح روز پنجم مرداد، عملیات مرصاد آغاز شد و منافقین که سرخوش از این بودند که در طول مسیر با هیچ مقاومت خاصی روبه‌رو نشده‌اند، ناگهان خود را در جهنمی از آتش دیدند که از زمین و هوا بر سر آن‌ها ریخته می‌شد.

طولی نکشید که جاده باختران- اسلام‌آباد، انباشته از ادوات سوخته اهدایی دولت‌های غربی به مجاهدین خلق شد. معدود افرادی که موفق شده بودند از این مهلکه جان سالم به در برند، به روستاهای اطراف پناه بردند و برخی دیگر هم با خوردن قرص سیانور، به زندگی خود پایان دادند.

پس از اتمام عملیات، دو طرف جاده آکنده از کپه‌های خاکی بود که در زیر خود، اجساد هزاران دختر و پسر را پنهان کرده بود.

هرچند همکاری مشترک عراق و مجاهدین خلق در این عملیات ناموفق، خلاصه نمی‌شد و پیش از این هم به ویژه از اواخر سال ۶۶ و درپی ملاقات صدام و مسعود رجوی، شکل تازه‌ای به خود گرفته بود، اما اوج آن در همین عملیات بود که ارتش عراق با در اختیار گذاشتن سلاح‌های گوناگون همچون تانک‌های پیشرفته «تی - ۷۲» و نیز حمایت هوایی و بمباران شهرهایی در طول مسیر، حداکثر پشتیبانی را از نیروهای این گروهک به عمل آورد.

سرانجام ۱۰ روز پس از شکست عملیات غروب جاویدان، با حضور نیروهای بین‌المللی آتش بس در سراسر مرزهای ایران و عراق برقرار شد. نیروهای حافظ صلح تا سه سال پس از آتش‌بس در منطقه حضور داشتند. بیشتر مفسران بر این باور هستند که صدام در پایان این جنگ حتی از دستیابی به نخستین هدف خود یعنی فسخ قرارداد ۱۹۷۵ بازماند.

پس از عملیات غروب جاویدان و آثار مخربی که بر پیکره سازمان جاهدین خلق گذاشت، شمار زیادی از اعضا و وابستگان تشکیلات در عراق و اروپا تلاش کردند از سازمان جدا شوند هرچند با خشونت درون گروهی مواجه شدند ولی به هرحال روزنه‌هایی وجود داشت که بتوانند جان خود را از دست این سازمان نجات دهند.

شکست مجاهدین در این عملیات باعث شد سازمان کاملا به صورت یک فرقه بسته و مخوف در بیاید و تمامی روزنه‌های امید به دنیای آزاد بر روی اعضای آن بسته شود و این تازه آغاز راه بود.

صحبت‌های امیر سرتیپ احمدرضا پوردستان جانشین فرمانده ارتش حاکی از آن است که علت ترور شهید سرافراز «سپهبد صیاد شیرازی» در فروردین ماه سال ۱۳۷۸ توسط منافقین به دلیل ضربه‌ای بود که این گروه در عملیات مرصاد در اثر تدابیر و فرماندهی این شهید بزرگوار متحمل شده بود.

امیر سرتیپ پوردستان در این‌باره گفت: پس از پایان جنگ تحمیلی حالت نه جنگ و نه صلح بر مرزها حاکم بود، منافقین فعالیتی را در مرزها انجام دادند و شهید صیاد شیرازی که در آن زمان به عنوان مسئول بازرسی ستاد کل نیروهای مسلح مشغول فعالیت بود، احساس مسئولیت کرد و با شناخت خوبی که از منطقه و نیروها داشت، به پایگاه کرمانشاه رفت و با بالگرد ۲۱۴ هوانیروز عملیات شناسایی از منطقه را انجام داد و در نهایت با ساماندهی و تدابیر ویژه خود با کمک و هدایت نیروها، ضربه مهلکی در عملیات مرصاد به منافقین وارد کرد و منافقین مجبور به عقب‌نشینی شدند.

به دنبال این موضوع منافقین منتظر فرصتی بودند تا صیاد شیرازی را به شهادت برسانند که سرانجام در ۲۱ فروردین ۷۸ موفق به انجام این کار شدند، در حقیقت دلیل اصلی ترور هم ضربه‌ای بود که به منافقین در عملیات مرصاد وارد شد. **باشگاه خبرنگاران**

یادداشت

غروب جاویدان

دکتر اسماعیل زمانی
استادیار دانشگاه و پژوهشگر دفاع مقدس

سال ۶۷ در منطقه مریوان ارتفاعات شیخ محمد خط پدافندی تیپ بود. زمانی بود که قطعنامه از سوی امام سیدروح‌الله پذیرفته شده بود. دوست عزیزی داشتم که روحانی گردان بود. دائم اشک می‌ریخت و می‌گفت جنگ تمام شد اگر من شهید نشوم دق می‌کنم.

اون شب که قرار شد برگردیم کرمانشاه بعد از اونجا برویم تهران، توی اتوبوس دائم همین حرف رو می‌زد تا مریوان رو کامیون اومدیم و از مریوان به سمت کرمانشاه با اتوبوس. شب رسیدیم روانسر و جوانرود نماز را در مسجد اهل‌سنت شافعی مذهب خواندیم.

نیمه شب به اردوگاه که همان مقر تیپ بود رسیدیم. شام نخوردم اما دوستان برای شام همون ابتدای ورودی دژبانی تیپ به ستون یک غذا گرفتند خیلی از بچه حال و حوصله نداشتند و همش می‌پرسیدند چی شد؟ چرا یک دفعه این چه روزگاریست ساعت ۱۲شب بود و در چادر کنار بچه‌ها پتو پهن کردم و خوابیدم یک دفعه یاد شب عملیات کربلای ۴ و۵ افتادم. یاد سنگرها، یاد جزیره بوارین، شب جزیره ام الرصاص خلاصه یاد دوستان شهیدم. هی می‌گفتم خدایا چی شده جنگ تمام شد؟ حدود ساعت ۳ بامداد بود که یک موتور سوار اومد و کنار چادر ما ایستاد موتور رو خاموش کرد صدا زد برادر شعبانی بیا بیرون برادر شعبانی فرمانده گردان بود بلند شد و گفت بله؟ گفت برادر حاج مهدی گفته زود بیا چادر فرمانده تیپ. بلند شد و رفت. بچه‌ها از هم سوال کردیم چی شده؟ چرا این موقع شب مگر جنگی شده؟

ساعت ۴بامداد برادر شعبانی برگشت. همگی رو بیدار کرد وگفت: برادرها بلند شوید عراق دوباره حمله کرده داره از سرپل‌ذهاب میاد جلو.

حسن یک دفعه گفت ای‌خدا جون ممنونم. آماده شدیم. نماز صبح رو خواندیم جلوی چادر هر گروهان بچه‌ها آماده بودند اگر چه جنگ چند ساعت قبل تمام شده بود اما دوباره حال و هوای بر و بچه‌ها دیدنی بود. اون‌های که نور بالا زده بودند شاد و شنگول بودن. گردان رو حرکت دادن رسیدیم جلوی چادر فرمانده تیپ.ای وای اون روزها، واژه رایج برادرها بود.

چقدر خوب وبی آلایش بود برادر مهدی شروع به صحبت کرد و گفت: برادرها واقعیتش منافقین با پشتیبانی ارتش بعث عراق دوباره حمله کردن. میان ستون همهمه‌ای بود. منافقین یعنی چه؟ آقا رضا دوستم گفت: غلط کردن بی‌شرف‌ای وطن‌فروش.

من و حسن و رضا زدیم زیر خنده گفتیم‌ای شهدا کجاییید ما داریم با منافقین یقه به یقه می‌شویم. از مقر تیپ که نزدیک سه راه کوزان بود راه افتادیم تا لب جاده. خیلی راه اومدیم برای اینکه به بروبچه‌ها روحیه بدهیم من شروع کردم رجز خواندن هرچه به لب جاده نزدیک می‌شدیم ترافیک روی جاده رو می‌دیدم و صدا سوت گلوله توپ و خمپاره.

به رضا گفتم فکر کنم جدی جدی دوباره جنگ شده. رسیدیم لب جاده برای خیرمقدم گفتن به گردان ما یک گلوله توپ خورد وسط جاده. صدای یا حسین و یا زهرا بلند شد. دو نفر از بچه‌ها مجروح شدند. یکی از آنها داد می‌زد امدادگر من دارم شهید می‌شم بیا بیا.

ما باز خندیدم. خلاصه کنار تپه لب جاده زمین‌گیر شدیم روی جاده و لوله‌ای بود پر از ماشین نیروی رزمنده. گردان به ستون یک بود حرکت کردیم. فرمانده گردان گفت: برادرها منافقین از کرند گذشتن دارن میان به طرف کرمانشاه.

حسن گفت: اسماعیل آخ‌جون چه شود به به من از اون‌ها استقبال میکنم. ستون گردان کنار جاده در حرکت بود که هر از گاهی صدای سوت خمپاره بچه‌ها رو مجبور می‌کرد خیز برونند. نرسیده به زبر اول منطقه چهار زبر سر پیچ جاده یک دستگاه تویوتا آتش گرفته بود که خطر انفجار رو داشت. بچه‌ها رو هدایت کردم به سمت چپ جاده حسن خیلی خندان داد می‌زد رزمنده رزمنده کی خسته است؟

بچه‌ها جواب می‌دادند دشمن من من. خلاصه درگیری شروع شد یک خودروی بود به نام کاسکاول البته بعدها متوجه شدیم نام اون خودروی نظامی بود که کشور برزیل به سازمان بخت و وطن‌فروش داده بود.

اینجا بود که پشت بی‌سیم پیام امام سیدروح‌الله به فرمانده سپاه رو پخش کردند. آن روح خدا فرمود: این جنگ جنگ میان کفر و اسلام است و باید وجب به وجب با آنها جنگید و عزت اقتدار سپاه و بسیج در جنگیدن تا نابودی کافران است و ذلت و خواری در مقاومت و ایستادگی نکردن در مقابل این کوردلان است.

این پیام یک نیروی مضاعف به بدنه اصلی یگان‌های در گیر داد بچه‌ها خیلی با انگیزه و با توکل بر خدا می‌جنگیدن دم‌دم‌های ظهر بود درگیری شدید بود و پشت بی‌سیم صدای غم‌آلود توجه‌ام را جلب کرد بی‌سیمچی حسن گفت: اصغر - اصغر - محمد؟ اصغر جواب داد جان محمد جان بگو

اصغر گفت: حسن رفت پیش شهرام، شهرام پیک گروهان حسن بود در عملیات کربلای ۵ و شهرام شهید شده بود و حسن خیلی در فراق او نالان بود. وقتی این خبر رو شنیدم خودم رو رساندم به برو بچه‌های گروهان حسن. وقتی رسیدم حسن غرق در خون بود روی برانکارد پیکر مطهر او رو قرار دادیم پشت یک وانت تویوتا پریدم سوار شدم و کنار پیکر او و چند شهید دیگر نشستم راننده با سرعت به سمت منطقه ماهیدشت کرمانشاه در حرکت بود، دستم رو توی دست شهید حسن نگه داشتم و زیر لب می‌گفتم حسن دیگه دق نکردی دیدی به آرزوت رسیدی حالا سلام من رو به برو بچه‌ها برسون.

نزدیک سه راه کوزان بودیم که دیدم یا خدا چقدر جمعیت یک لحظه گفتم اینها برای چی آمدند؟ یادم هست یک خانمی راننده تراکتور که یک یدک‌کش داشت پر از نیرو بود به سمت چهار زبر در حرکت بود.

درست سی سال پیش اوج درگیری و اوج خستگی طولانی شدن جنگ اما با یک دم مسیحایی امام مردم وجب به وجب با کفار جنگیدن و درس فراموش ناشدنی به طراحان عملیات فروغ جاویدان دادند و این طرح را به غروب جاویدان بدل کردند و درست امروز بعد از سی سال در یک جنگ تمام عیار اقتصادی باید همگی با گوش دادن به فرمان فرزند خلف امام سیدروح‌الله (آقاسیدعلی خامنه‌ای) تمام داشته‌هامون رو بیاوریم وسط میدان و با دشمن زیاده‌خواه وجب به وجب بجنگیم و یکبار دیگر با وحدت و همدلی به گونه‌ای که وحدت حول دشمن استکبار و با یک صدایی برای ایجاد انگیزه و روحیه انقلابی و انقلابی‌گری از ارتفاعات اقتصادی چهار زبر عبور کنیم و این شدنی است.

آگهی ابلاغ مفاد رای موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی چون به موجب رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۱۰۵۴۰۰۰۰۸۹ مورخ ۹۷/۱/۲۲ صادره از هیئت حل اختلاف موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک جنوب شرق تصرفات مفروزی و مالکانه آقای احمد علی حر فرزند مختار متقاضی پرونده کلاسه ۱۳۹۴۱۱۴۴۰۱۰۵۴۰۰۰۳۵۱ نسبت به مساحت ۶۶مترمربع قسمتی از پلاک ثبتی۴۴۱۸/۴۰۴ با حدود اربعه شمالاً : بطول ۵/۴۶ متر دیوار به دیوار۴۴۱۸/۴۰۴ شرقا: بطول ۱۲/۱۰ متر درب و دیوار به کوچه جنوباً: بطول ۵/۴۶ متر دیوار به کوچه غربا: بطول ۱۲/۱۰ متر دیوار به دیوار پلاک۴۴۱۸/۴۰۴ مورد ثبت صفحه ۳۷ و ۲۱۵ دفتر ۱۳۵۱ و۵۴ در بخش۷ تهران به ثبت گردیده مراتب از نظر اطلاع ذوی الحقوق و شرکاء مشاعی پلاک فوق در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه آگهی می گردد طبق قانون فوق الاشاره کسانیکه به مالکیت و تصرفات مفروزی متقاضی فوق اعتراض دارند میتوانند از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت دو ماه اعتراض خود را به مراجع قضایی تسلیم نماید بدیهی است پس از انقضاء مهلت قانونی و عدم وصول واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت مفروزی به مساحت و حدود بالا بنام نامبرده اقدام خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۹۷/۵/۸ و تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۷/۵/۲۳

۱۳۹۸۵/م الف جشان- کفیل اداره ثبت اسناد و املاک خاوران تهران

آگهی فقدان سند مالکیت آقای امیرهوشنگ شفیعی تبار وکیل فاطمه شیرزادی مهابادی با وکالتنامه شماره ۱۳۸۶۶۹ مورخ ۹۷/۳/۳ تهران با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی مصدق که تحت شماره۸۲۱۰۸۰ مورخ ۹۷/۳/۳۰ دفتر اسناد رسمی۸۶۸تهران و برگ تقاضای وارده بشماره ۱۰۲۳۷ مورخ ۹۷/۴/۲ مدعی فقدان سند مالکیت ششدانگ یکدستگاه آپارتمان به مساحت۹۵/۱۷ مترمربع قطعه ۷ تفکیکی به شماره۷۱ و۷۲ فرعی از ۶۲۳۶ اصلی مفروز از شماره۲ فرعی از اصلی مرقوم واقع در بخش۲ تهران انباری قطعه ۷ که در صفحه ۴۲۱ دفتر۱۲۷۰ ذیل ثبت به شماره۱۹۰۸۴۲بشماره چاپی ۶۰۴۷۳۹ بنام فاطمه شیرزادی مهابادی ثبت و سند صادر و تسلیم گردیده است برابر سند شماره ۱۱۷۷۵۹مورخ ۹۰/۵/۲۴ دفترخانه ۸۰ بروجن در رهن بانک ملی است و سپس وی به علت سهل انگاری سند مالکیت خود را گم و درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده است.

لذا مراتب باستناد ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غیر از اسناد فوق و یا وجود سند مالکیت نزد خود می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ده روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نمائید تا مورد رسیدگی قرار گیرد به اعتراض بدون ارایه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نخواهد شد پس از انقضای مهلت مزبور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

۱۳۹۸۶/م الف شهمیرزادی- رییس ثبت اسناد و املاک نارمک

آگهی فقدان سند مالکیت نظر به اینکه آقای حمید محمدزاده وحدتی با تسلیم ۲ برگ استشهادیه محلی مصدق شده طی شماره ۴۳۰۳ مورخ ۱۳۹۷/۴/۱۹ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۶۳۶ حوزه ثبتی تهران و برگ تقاضا به شماره وارده ۱۲۴۸۰ مورخ ۱۳۹۷/۴/۱۹ مدعی گردیده سند مالکیت کاداستری به شماره سریال ۰۵۶۶۶۱ شش دانگ یک قطعه زمین به پلاک ۳۶۰ فرعی از ۶۴۲۳ اصلی واقع در بخش ۲ تهران ۱۳۹۷۲۰۳۰۱۰۲۵۰۱۰۹۱۶ به نام حمید محمدزاده وحدتی صادر و تسلیم شد و طبق سند رهنی ۱۱۱۱۷۶ مورخ ۱۳۹۶/۸/۲ دفترخانه ۱۳۰ تهران در رهن بانک مسکن است و سپس به علت جا به جایی مفقود گردیده و درخواست صدور المثنی سند مالکیت پلاک موصوف خود را نموده است لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار (همین روزنامه) آگهی می شود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی شود.

در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.

۱۳۹۸۷/م الف رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نارمک - شهمیرزادی

آگهی فقدان سند مالکیت آقای داود امیرخانلو وکالتا" به موجب وکالت نامه های شماره ۷۴۴۴۴ مورخ ۷۱/۵/۷ و ۱۶۰۶۷۹ مورخ ۹۷/۳/۳ دفترخانه های ۶۲ و ۲۲۳ تهران به وکالت از طرف آقای حسن ترابی مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۲۰ مترمربع به پلاک ثبتی ۴۰۷۰۹ فرعی از ۱۳۸ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۵۰ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۱۲ تهران که سند مالکیت آن ذیل ثبت ۲۶۲۱۲۹ صفحه ۴۵۸ دفتر ۱۱۳۹ به شماره چاپی ۳/۳۶۴۰۹۴ به نام زین العابدین ثبت و صادر و تسلیم شده سپس و به موجب سند قطعی شماره ۵۵۲۵۹ مورخ ۲۵۳۷/۴/۱۴ دفترخانه ۲۲۲ تهران به آقای حسن ترابی انتقال یافته است و به موجب سند رهنی شماره ۵۰۰۹۰ مورخ ۶۸/۴/۲ دفترخانه ۲۲۳ تهران در رهن می باشد سپس نامبرده با ارائه دو برگ استشهادیه که به امضا شهود رسیده است و ذیل یکی از آنها طی شماره ۴۰۶۳۷ مورخ ۹۷/۳/۱ توسط دفترخانه ۵۴۵ تهران گواهی امضا گردید مدعی است که اصل سند مالکیت به علت جا به جایی مفقود گردیده است و تقاضای صدور المثنی سند مالکیت ملک مذکور را نموده لذا مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت و یا در اختیار داشتن سند مالکیت نزد خود می باشد ظرف مدت ۱۰ روز از انتشار این آگهی به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت اقدام نماید بدیهی است در این صورت پس از تنظیم صورت مجلس اصل سند مالکیت به ارائه کننده مسترد خواهد شد و صدور المثنی سند مالکیت منوط به ارائه دادنامه از مراجع ذیصلاح قضایی خواهد بود و پس از انقضا مدت مذکور و عدم هرگونه اعتراض این منطقه نسبت به صدور المثنی سند مالکیت اقدام خواهد نمود.

۱۳۹۸۹/م الف کفیل ثبت منطقه خاوران تهران - جشان

آگهی مزایده اموال غیرمنقول (اسناد رهنی) آگهی مزایده مال غیرمنقول پرونده های اجرائی کلاسه ۹۴۰۱۷۷۵ و ۹۴۰۱۷۷۴ ششدانگ یک دستگاه آپارتمان مسکونی قطعه۶ واقع در سمت جنوب طبقه سوم به مساحت ۱۵۲/۱۵ مترمربع که مقدار۸/۹۷ مترمربع آن پیشرفتگی در دو قسمت و۲/۰۶ مترمربع آن بالکن است بانضمام انباری قطعه۴ به مساحت ۹/۵۴ مترمربع در زیرزمین اول و یک واحد پارکینگ قطعه ۳ به مساحت۱۱ مترمربع در همکف به شماره پلاک ۹۲۵۵ فرعی از ۳۶۵ اصلی مجزی شده از ۹۳۹ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۱۰تهران به محدود به حدود شمالا در هفت قسمت که قسمتهای ۳و ۵ آن شرقی است اول درب ودیواری است به طول۳/۰۸ متر به نورگیر مشاعی دوم دیواری است به طول۰/۴۴ متر به راه پله و آسانسور مشاعی سوم دیواری است به طول ۲/۴۶ متر به راه پله و آسانسور مشاعی چهارم درب ودیوار است به طول۱/۳۸ متر به راه پله و آسانسور مشاعی پنجم دیواری است پیشرفتگی به طول۰/۷۳ متر به راه پله و آسانسور مشاعی ششم دیواری است به طول۴/۴۶ متر به راه پله و آسانسور مشاعی شرقا: در نه قسمت که قسمتهای ۴ و ۶ آن شمالی قسمتهای دوم و هشتم آن جنوبی است اول دیوار و پنجره به صورت پیشرفتگی به فضای خیابان به طول۴/۲۹ متر به فضای معبر مجاور دوم دیواری است پیشرفتگی به طول۰/۱۲ متر به فضای معبر مجاور سوم دیوار و پنجره به صورت پیشرفتگی به فضای خیابان به طول۳/۷۰ متر به فضای معبر مجاور چهارم دیواری است پیشرفتگی به طول۰/۱۰ متر به فضای معبر مجاور پنجم دیوار و پنجره پیشرفتگی به فضای خیابان به طول۱/۹۸ متر به فضای معبر مجاور ششم نرده است پیشرفتگی به طول۱/۲۷ متر به فضای معبر چهارم هفتم دیوار و پنجره بصورت پیشرفتگی به فضای خیابان به طول۰/۳۷ متر به فضای معبر مجاور هشتم دیواری است پیشرفتگی به طول۰/۳۱ متر به فضای معبر مجاور نهم دیوار و پنجره به صورت پیشرفتگی به فضای خیابان به طول۲/۴۵ متر به فضای معبر مجاور جنوبا در دو قسمت اول دیواری است پیشرفتگی به طول۰/۸۰ متر به فضای معبر مجاور دوم دیوار و پنجره است به طول۹/۱۵ متر به فضای حیاط مشاعی غربا دیواری است به طول۱۷/۰۸ متر درز انقطاع که ماورای آن فضای ملک مجاور قرار دارد سقف با کف طبقه چهارم اشتراکی است کف با سقف طبقه دو اشتراکی است حدود انباری شمالا دیواری است مشترک به طول۴/۵۶ متر به انباری قطعه ۳ شرقا دیواری است به طول۲/۱۰ متر به معبر مجاور جنوبا دیواری است مشترک به طول۴/۵۲ متر به انباری قطعه۵ غربا درب و دیواری است به طول۲/۱۰ متر به راه پله و آسانسور مشاعی سقف با کف طبقه همکف اشتراکی است کف روی عرصه مشاعی است حدود پارکینگ شمالا خط فرضی است به طول ۲/۲۰ متر شرقا خط فرضی است بطول ۵ متر جنوبا خط فرضی است بطول ۲/۲۰ متر غربا فرضی است بطول ۵ متر خطوط فرضی ذکر نشده به محوطه مشاعی است سقف با کف طبقه یک اشتراکی است و کف با سقف زیرزمین یک اشتراکی است ذیل ثبت شماره۹۲۹۲۶ و ۹۶۳۱۱ صفحه۱۸۲-۴۰۵ دفتر املاک۴۶۰-۴۸۶ بنام علی شاملو منتظر مقدم و خانم مرجان شاملو منتظر مقدم بالسویه ثبت و صادر گردیده و به موجب اسناد رهنی ۹۸۱۷- ۹۲/۹/۱۳ و ۷۷۴۳-۹۱/۹/۲۷ دفتر۱۰۳۹ تهران در رهن شرکت تعاونی اعتبار صالحین قرار گرفته که به علت عدم ایفای تعهد منجر به صدور اجراییه تحت کلاسه ۹۴۰۱۷۷۵ و ۹۴۰۱۷۷۴ گردیده که طبق نظریه مورخ ۹۵/۹/۹ کارشناس رسمی دادگستری توصیف اجمالی مورد وثیقه عبارت از: ملک موصوف واقع در تهران خ آیت اله کاشانی خ شهید براتلو خ منوچهری کوچه بهار پلاک۱۴ طبقه سوم واحد جنوبی می باشد ساختمانی که این واحد آپارتمان جزئی از آن است بنایی است که در ۷ طبقه واقع در زمینی جنوبی دارای دو بر شمالی و شرقی احداث شده و شامل یک طبقه زیرزمین یک طبقه همکف و پنج طبقه اول تا پنجم که در طبقه زیرزمین واحد سرایداری با کاربری فعلی سالن اجتماعات انباریها و تعدادی از پارکینگها و موتورخانه واقع شده و در طبقه همکف با دو درب پارکینگ مجزا از شمال و شرق علاوه بر فضای اشغال شده بابت ورودی آسانسور و راه پله سایر پارکینگها قرار دارند پنج طبقه بعدی آپارتمانهای مسکونی با توزیع دو واحد در هر طبقه احداث شده و جمعا ۱۰ واحد آپارتمان مسکونی را شامل می گردد عمر بنا ۶ سال اسکلت آن بتن آرمه با سقف تیرچه بلوک و با نماسازی سنگ تراورتن با پنجره های پروفیل یو-پی-وی-سی و راه پله با کف ودیوارهای سنگی می باشد پوشش کف ودیوارها در فضای پارکینگها و حیاط نیز سنگ می باشد ساختمان مجهز به یکدستگاه آسانسور سیستم درب ریموت کنترل پارکینگها و آیفون تصویری بوده و آپارتمان دارای سه اتاق خواب آشپزخانه باز دارای کابینت ام دی اف و هود سالن پذیرایی دو واحد حمام با روشوئی و سرویس فرنگی که یکی به اتاق خواب مستر اختصاص دارد و یک واحد دستشویی با سرویس ایرانی است پوشش کف پارکت دیوارها و سقف دارای پوشش گچکاری و ابزار گچی و در مقاطعی دارای پوشش و تزئینات چوب ام دی اف میباشد دربهای داخلی هم از نوع چوبی است. سیستم گرمایش با شوفاژ مرتبط با موتورخانه مرکزی و همچنین یک دستگاه شومینه گاز سوز و سیستم سرمایش با کولرابی می باشد. آپارتمان دارای انشعاب برق اختصاصی و انشعابات برق و آب و گاز اشتراکی دایر در ساختمان می باشد و به مبلغ ۸/۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (هشت میلیارد و نهصد میلیون ریال) ارزیابی شده است و جهت وصول طلب بستانکار و حقوق دولتی کلاسه فوق الذکر در روز شنبه مورخ۹۷/۵/۲۷ از ساعت ۹ الی ۱۲ ظهر در محل اداره سوم اجرای اسناد رسمی واقع در ضلع جنوب غربی چهارراه جهان کودک ساختمان معاونت اجرای اسناد رسمی ثبت استان تهران سالن مزایده از طریق مزایده حضوری بفروش میرسد و مزایده از مبلغ ۸/۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (هشت میلیارد و نهصد میلیون ریال) شروع به بالاترین قیمت که خریدار داشته باشد فروخته خواهد شد شرکت در جلسه مزایده برای عموم آزاد است و فروش کلاً نقدی است چنانچه روز تعیین شده با تعطیل رسمی مصادف گردد روز بعد از تعطیل جلسه مزایده در همان ساعت و مکان تشکیل خواهد شد طالبین و خریداران میتوانند جهت شرکت در مزایده در وقت مقرر با ارائه چک تضمین شده بانک ملی به مبلغ پایه در جلسه مزایده شرکت نمایند ضمنا بدهیهای مربوط به آب برق گاز اعم از حق انشعاب و اشترک و مصرف و نیز بدهی مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره که رقم قطعی آنها برای این اداره معلوم نشده بعهده برنده مزایده است و تنظیم سند انتقال موکول به ارائه مفاصا حسابهای دارایی و شهرداری و... خواهد بود. تاریخ انتشار آگهی مزایده:۹۷/۵/۸

۱۳۹۸۸/م الف رئیس اداره سوم اجرای اسناد رسمی - نقیبی

آگهی اصلاحی ابلاغ اجراییه طبق ماده ۱۸ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی پیرو آگهی ابلاغ اجراییه به شماره ۱۹۱۹/ن-۲۲۹۱۱/الف مورخ ۸۹/۹/۱۵ درخصوص سند رهنی شماره ۹۷۵ - ۸۲/۱۱/۱۶ تنظیمی دفترخانه شماره ۸۳۳ تهران مرتبط با پرونده اجرایی کلاسه ن/۳-۷۲۴۶ و۸۶۰۱۶۰۲ بدین وسیله به آقای سیدناصر صادقی مدیر تصفیه شرکت ساختمانی عمران آفرینان بوستان به نشانی تهران، میدان فرمانیه، خ بوستان، پ ۱ + ۱۶ ابلاغ می گردد قید ۳ دانگ مشاع ار شش دانگ قطعه ۵ تفکیکی پلاک ثبتی شماره ۳۵۲۶ فرعی از یک اصلی مفروز از پلاک ۳۶۶ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۱۱ تهران مبنی بر اشتباه بوده و مقدار ۵ دانگ مشاع از شش دانگ قطعه ۵ تفکیکی پلاک ثبتی شماره ۳۵۲۶ فرعی از یک اصلی مفروز از پلاک ۳۶۶ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۱۱ تهران صحیح می باشد که بدین وسیله اصلاح می گردد.

۱۴۰۰۳/ م الف معاون اجرا اداره سوم اجرای اسناد رسمی تهران - پروین حقیقی